**باسمه تعالی**

[***بررسی کلام صاحب حدائق در رابطه با حمل طائفه رابعه بر تقیّه*** 2](#_Toc471715090)

[**قرائن حمل طائفه رابعه بر تقیّه** 3](#_Toc471715091)

[**قرینه أول (مخالفت با قرآن)** 3](#_Toc471715092)

[**مناقشه (عدم مخالفت مستقرّ)** 3](#_Toc471715093)

[***جواب از مناقشه*** 3](#_Toc471715094)

[***اشکال به جواب*** 3](#_Toc471715095)

[**قرینه دوم (عدم ذکر مضمون طائفه رابعه در طوائف دیگر)** 4](#_Toc471715096)

[**مناقشه (عدم ذکر طائفه رابعه در طوائف دیگر به خاطر مورد ابتلا نبودن)** 4](#_Toc471715097)

[**قرینه سوم (تعبیر روایات راجع به تأخیر از نیمه شب)** 4](#_Toc471715098)

[***موثقه زراره*** 4](#_Toc471715099)

[***صحیحه حلبی*** 5](#_Toc471715100)

[***مرسله فقیه*** 5](#_Toc471715101)

[**مناقشه در قرینه سوم** 6](#_Toc471715102)

[**جواب از موثقه زراره (اختصاص به نوم اختیاری)** 6](#_Toc471715103)

[**جواب از صحیحه حلبی (بیان وقت اختیاری یا وجوب مبادرت)** 6](#_Toc471715104)

[**جواب از مرسله فقیه** 6](#_Toc471715105)

[**ضعف سند** 6](#_Toc471715106)

[**استعمال لفظ «قضی» در اتیان به فعل نه اتیان خارج وقت** 7](#_Toc471715107)

[**صوم عقوبتی از باب جریمه نه عذاب** 8](#_Toc471715108)

[***وجه شمول طائفه رابعه برای مختار*** 8](#_Toc471715109)

[**مناقشه** 9](#_Toc471715110)

[***وجه حمل طائفه رابعه بر وقت قضایی*** 9](#_Toc471715111)

[**مناقشه** 10](#_Toc471715112)

[***نتیجه بررسی طائفه رابعه*** 10](#_Toc471715113)

**موضوع**: کتاب الصلاۀ/اوقات نماز های یومیه /آخر وفت مغرب و عشاء/بررسی قول صاحب حدائق راجع به طائفه رابعه

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث راجع به فرمایش صاحب حدائق بود که روایات وقت نماز مغرب و عشاء را به سه طائفه تقسیم کرد. و ما فعلا از وقت نماز مغرب بحث می کنیم؛

که طائفه اولی گفت منتهای وقت نماز مغرب سقوط شفق و ذهاب حمره مغربیه است. طائفه دوم گفت منتهای وقت مغرب گذشت یک سوم و یا یک چهارم شب است و طائفه ثالثه گفت منتهای وقت نماز مغرب نیمه شب است.

ما عرض کردیم ایشان طائفه رابعه را حمل بر تقیّه کرد، در حالی که این طائفه رابعه در مورد مضطر می گوید وقت نماز مغرب و عشاء تا طلوع فجر امتداد دارد. وجهی نداشت که این روایات طائفه رابعه را حمل بر تقیه بکند و فقط به آن سه طائفه اول عمل کند (با این توجیه و جمع که: طائفه اولی راجع به وقت اختیاری است، طائفه ثانیه راجع به وقت اضطراری است، طائفه ثالثه راجع به وقت اضطراری شدید است)

***بررسی کلام صاحب حدائق در رابطه با حمل طائفه رابعه بر تقیّه***

**ایشان فرموده است که**: عامه همین قول را قائلند که وقت نماز مغرب و عشاء تا طلوع فجر هست. محقق در معتبر نقل می کند که شافعی و احمد بن حنبل منتهای وقت نماز مغرب و عشاء برای مضطر را طلوع فجر می دانند. و ابوحنیفه و مالک حتی برای مختار هم انتهاء وقت نماز مغرب و عشاء را طلوع فجر می دانند.

و راجع به زنی که قبل از طلوع فجر پاک شده معتبر از شافعی و مالک و احمد بن حنبل نقل می کند که گفته اند: باید نماز مغرب و عشاء را بخواند. و روایتی از عبدالرحمن بن عوف و عبدالله بن عباس نقل کرده اند که اینها در مورد حائضی که قبل از طلوع فجر و حتّی قبل از یک رکعت مانده به طلوع فجر، پاک می شود باید نماز مغرب و عشاء را بخواند.

**ایشان می فرماید:** مفاد روایاتی که می گوید وقت نماز مغرب و عشاء برای مضطرّین تا طلوع فجر ادامه دارد موافق عامه است و به خاطر مشکلاتی باید حمل بر تقیّه کنیم؛

**قرائن حمل طائفه رابعه بر تقیّه**

**قرینه أول (مخالفت با قرآن)**

**این روایات با قرآن مخالف است**: قرآن می گوید «اقم الصلاة لدلوک الشمس الی غسق اللیل و قرآن الفجر» که در صحیحه زراره این آیه را تفسیر کرده است که مراد از غسق اللیل، نصف شب است. لذا این روایات که می گوید وقت نماز مغرب و عشاء تا اذان صبح است مخالف قرآن می شود.

**مناقشه (عدم مخالفت مستقرّ)**

هر چند این روایات که امتداد وقت نماز مغرب و عشاء را تا طلوع فجر دانسته است موافق عامّه است ولی تا معارض قطعی نداشته باشد وجهی ندارد حمل بر تقیّه کنیم. و صرف موافق عامه بودن موجب طرح یک خبر نیست.

و این آیه شریفه مطلق است و شامل وقت اختیاری و اضطراری می شود که با آمدن این روایات که وقت را برای مضطرّین تا طلوع فجر می داند تقیید می خورد.

***جواب از مناقشه***

**اگر بگویید؛**در این روایات تعبیر به «من نام أو نسی» شده است و نائم شامل نائم اختیاری و از روی عمد هم می شود. لذا طبق اطلاق این روایات، وقت اختیاری نماز مغرب و عشاء هم تا طلوع فجر ادامه پیدا می کند و لذا تعارض بین آیه و این روایات مستقرّ می شود.

***اشکال به جواب***

**می گوییم: اولا:** بر فرض اطلاق «من نام»، من نام باختیاره را بگیرد، باز هم مخالف بالتباین با آیه نیست. چون می توان آیه را حمل بر تکلیف محض کرد. و این که در روایتی که آیه را تفسیر می کند، تعبیر به «وقّتهنّ» کرد نص در وقت اجزاء نیست و با این می سازد که خداوند توقیت کرده که حتماً باید قبل از نیمه شب نماز مغرب و عشاء را بخوانید. یعنی وقت مبادرت تا نیمه شب است و ممکن است وقت اجزاء تا طلوع فجر باشد.

**ثانیا:** «نام او نسی» انصراف به نوع غیر اختیاری دارد. و اطلاق «نام» در کنار «او نسی» نسبت به کسی که بعد از اذان مغرب عمدا بخوابد، مشکل است و انصراف و یا شبهه انصراف به نوم غیر عمدی دارد.

**ثالثا:** بر فرض «نام» شامل نوم اختیاری بشود، این فقره با آیه شریفه معارضه می کند، اما فقره دیگر«أو نسی» که اختیاری نیست. و نیز صحیحه عبدالله بن سنان در مورد حائض وارد شده است و حائض مثال عرفی برای مضطر است.

**لذا:** ما نسبت به امتداد وقت نماز مغرب و عشاء برای خصوص مضطر تا طلوع فجر، طبق این روایات ملتزم می شویم که وقت نماز مغرب و عشاء برای مضطرین تا طلوع فجر امتداد دارد و تعارض به نحو تباین هم با این آیه شریفه و صحیحه زراره ندارد.

**قرینه دوم (عدم ذکر مضمون طائفه رابعه در طوائف دیگر)**

قرینه دیگری که صاحب حدائق ذکر کرده برای این که بگوید روایات راجع به امتداد وقت نماز مغرب و عشاء تا طلوع فجررا باید حمل بر تقیّه کنیم این است که:

این همه روایات راجع به وقت نماز مغرب و عشاء ذکر شد: در یک طائفه گفت وقت نماز مغرب تا سقوط شفق است یک طائفه گفت تا ربع لیل است و یک طائفه گفت تا نصف لیل است. و در هیچ کدام از این روایات نگفت تا طلوع فجر ادامه دارد و اگر بنا بود وقت تا طلوع فجر امتداد داشته باشد مناسب بود در این روایات بیان شود. لذا عدم ذکر طلوع فجر در این همه روایت با این کثرت و اختلافی که دارند قرینه بر این است که تا نیمه شب وقت تمام می شود.

**مناقشه (عدم ذکر طائفه رابعه در طوائف دیگر به خاطر مورد ابتلا نبودن)**

این طوائف از روایات، طبق نظر مشهور وقت اختیاری را بیان کرده اند: وقت اختیاری نماز مغرب و عشاء تا نیمه شب است، وقت فضیلتش هم تا ذهاب حمره مغربیه است. و منافات ندارد که وقت اضطراری نماز مغرب و عشاء تا اذان صبح باشد. و این که در این روایات وقت اضطراری را بیان نکردند به این خاطر است که محل ابتلاء عموم مردم نیست.

**قرینه سوم (تعبیر روایات راجع به تأخیر از نیمه شب)**

***موثقه زراره***

**1-در موثقه زراره چنین آمده است**: (به خاطر وجود موسی بن بکر موثقه گفته می شود)وَ فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: ***مَلَكٌ مُوَكَّلٌ يَقُولُ مَنْ نَامَ- عَنِ الْعِشَاءِ إِلَى نِصْفِ اللَّيْلِ فَلَا أَنَامَ اللَّهُ عَيْنَهُ.[[1]](#footnote-1)***

کسی که بخوابد و نماز عشاء را نخواند تا نیمه شب بشود، نفرین بر او باد! روز قیامت چشمانش از حول و نگرانی از عذاب جهنم به خواب نرود. فلاانام الله عینیه: ان شاء الله خواب به چشمش نرود. اگر بنا باشد وقت تا اذان صبح امتداد داسته باشد چرا نخواندن نماز تا نیمه شب موجب نفرین می شود.

***صحیحه حلبی***

**2-و نیز در صحیحه حلبی چنین آمده است:** وَ عَنْهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ***: الْعَتَمَةُ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ- أَوْ إِلَى نِصْفِ اللَّيْلِ وَ ذَلِكَ التَّضْيِيعُ.[[2]](#footnote-2)***

می گوید نماز عشاء یا تا یک سوم شب یا حداکثر تا نصف شب است ولی نصف شب هم تضییع است، و اگر بناء باشد نماز عشاء تا اذان صبح امتداد داشته باشد چرا نیمه شب تضییع است؟

***مرسله فقیه***

**3-و همینطور در مرسله فقیه آمده است:**

قَالَ: ***وَ رُوِيَ فِي مَنْ نَامَ عَنِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ إِلَى نِصْفِ اللَّيْلِ- أَنَّهُ يَقْضِي وَ يُصْبِحُ صَائِماً عُقُوبَةً وَ إِنَّمَا وَجَبَ ذَلِكَ عَلَيْهِ- لِنَوْمِهِ عَنْهَا إِلَى نِصْفِ اللَّيْلِ***.[[3]](#footnote-3)

می گوید کسی که نماز عشاء را نخواند و تا نیمه شب خواب برود، اولا باید آن نماز عشاء را قضا کند، خود این قضاء دلیل بر این است که وقت اداء گذشته است که می گویند قضاء کند. از طرف دیگر می گویند یصبح صائما عقوبتا، که اگر وقت اداء باقی است چرا عقوبتش می کنید؟

این ها قرائنی است که اگر نیمه شب گذشت وقت أداء گذشته است.

**مناقشه در قرینه سوم**

**جواب از موثقه زراره (اختصاص به نوم اختیاری)**

**أما روایت أول:** «من نام عن العشاء الآخرة» مراد نوم اختیاری است و نوم غیر اختیاری رفع القلم عن النائم در موردش جاری است. کسی که از وقت نماز واجب خواب بماند، معذور است. خدا او را خواب کرد، ما غلب الله علیه فهو اولی بالعذر.

و نوم اختیاری تا نیمه شب، اشکالی ندارد که موجب نفرین شود؛ یا از این باب که وقت مبادرت به نماز مغرب و عشاء را ضایع کردی یا حتّی وقت اختیاری را ضایع کردی و امتداد وقت تا طلوع فجر برای مضطرّین بود. پس این روایت دلیل نمی شود بر اینکه وقت مضطر تا طلوع فجر امتداد ندارد.

**جواب از صحیحه حلبی (بیان وقت اختیاری یا وجوب مبادرت)**

**و اما روایت دوم**؛ «و ذلک التضییع» این بیان وقت اختیاری می کند. علاوه بر این که می گوید اگر کسی نزدیک نیمه شب و چند دقیقه به نیمه شب نماز عشاء بخواند این خودش تضییع وقت نماز عشاء است، و این منافاتی با این که وقت مضطرّ تا طلوع فجر امتداد داشته باشد تنافی ندارد.

و حتی با این تنافی ندارد که وقت مختار هم تا اذان صبح امتداد داشته باشد لکن چون تضییع کرده است و بعد از نیمه شب خوانده است عقاب می شود. و در روایت راجع به نماز عصر هم این گونه ذکر کرد که کسی که قبل از غروب آفتاب و نزدیک غروب نماز عصر را می خواندتضییع کرده است یعنی حقّ نماز تضییع شده است نه این که نماز قضاء شده است.

البته ما تضییعی که در مورد نماز عصر بود را به قرینه روایات دیگر، از باب تضییع حق مستحب نماز گرفتیم. و می گفتیم ظاهر «و ذلک تضییع» حرمت تأخیر نماز عصر تا تنگی وقت است. و قرآن هم می گفت «و حافظوا علی الصلوات» یعنی نماز را تضییع نکنید.

این روایت هم می گوید اگر نماز عشاء را نزدیک نصف شب بخوانی تضییع است. فوقش می گوید حرام است. اما معنایش این نیست که وقت نماز مغرب و عشاء به لحاظ اجزاء و اداء تا طلوع فجر امتداد نداشته باشد. حداقل راجع به مضطر این روایت دلیل نمی شود که وقت مضطر تا طلوع فجر امتداد نداشته باشد.

**جواب از مرسله فقیه**

**ضعف سند**

**اما روایت سوم یعنی روایت فقیه**: این روایت مرسله غیر جزمی است و تعبیر به «قال» ندارد تا جزمی باشد؛ لذا حتّی کسانی مثل امام قدس سره که مرسلات جزمیه را قبول دارند این روایت را ضعیف می دانند.

البته سید مرتضی ادعای اجماع کرده که اگر کسی از نماز عشاء خواب بماند تا شب به نیمه برسد باید صبح روزه بگیرد. و لکن اجماع های منقول سید مرتضی قوی نیست و اعتبار ندارد؛ و خود ایشان در جا نقل شده که در غسل به ماء مضاف ادعای اجماع بر جواز کرده است. محقق حلی از ایشان نقل کرده است که وجه ادعای اجماع این است که بر أصل برائت اجماع داریم و غسل به ماء مضاف هم مجرای برائت است. و لکن أولاً استصحاب نجاست در غسل به ماء مضاف جاری است و نوبت به برائت نمی رسد. و ثانیاً ایشان به خاطر اجماعی بودن کبری یعنی أصل برائت فرموده جواز غسل به ماء مضاف هم اجماعی است. و ایشان این گونه نتیجه گیری هایی می کند.

**استعمال لفظ «قضی» در اتیان به فعل نه اتیان خارج وقت**

**أما این که صاحب حدائق فرموده است «یقضی» قرینه بر این است که بعد از نیمه شب، نماز قضاء است:**

ما قبول داریم که خیلی از موارد قضاء را برای خروج وقت تعبیر می کنند ولکن ظهور عرفی قضاء این نیست و قضاء به معنای اتیان به فعل است. و ما دو روایت پیدا کردیم که قضاء را در مورد ادای واجب در وقت به کار برده است؛

(کما این که در آیه «فلما قضی زید منها وطرا زوجناکها» و نیز آیه «فاذا قضیتم الصلاة فانتشروا فی الارض» قضی به معنای قضاء کردن خارج از وقت نیست.)

**1-در روایت مستطرفات سرائرمی گوید**:

مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ فِي آخِرِ السَّرَائِرِ نَقْلًا مِنْ كِتَابِ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ***: إِذَا جَاءَ يَقِينٌ بَعْدَ حَائِلٍ- قَضَاهُ وَ مَضَى عَلَى الْيَقِينِ وَ يَقْضِي الْحَائِلَ وَ الشَّكَّ جَمِيعاً- فَإِنْ شَكَّ فِي الظُّهْرِ- فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَنْ يُصَلِّيَ الْعَصْرَ قَضَاهَا- وَ إِنْ دَخَلَهُ الشَّكُّ بَعْدَ أَنْ يُصَلِّيَ الْعَصْرَ- فَقَدْ مَضَتْ إِلَّا أَنْ يَسْتَيْقِنَ- لِأَنَّ الْعَصْرَ حَائِلٌ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الظُّهْرِ- فَلَا يَدَعُ الْحَائِلَ لِمَا كَانَ مِنَ الشَّكِّ إِلَّا بِيَقِينٍ.[[4]](#footnote-4)***

یعنی اگر بعد از نماز عصر یقین کند نماز ظهر را نخوانده است نماز ظهر را بخواند. و اگر قبل از اینکه نماز عصر را بخواند شک کند در نماز ظهر آن را قضاء می کند.

**2-صحیحه معاویة بن عمار:**

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ***: لَا بَأْسَ أَنْ يُقْضَى الْمَنَاسِكُ كُلُّهَا عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ- إِلَّا الطَّوَافُ فَإِنَّ فِيهِ صَلَاةً وَ الْوُضُوءُ أَفْضَلُ.[[5]](#footnote-5)***

در حج می تواند جمیع مناسک را بدون وضو انجام دهد و فقط طواف باید با وضو انجام شود. قضاء مناسک یعنی الاتیان بالمناسک.

**صوم عقوبتی از باب جریمه نه عذاب**

**و اما اینکه اگر قضاء نشده است چرا باید روزه بگیرد «یصبح صائما عقوبتا»؛**

این اشکالی ندارد زیرا طبق این روایت وقت اختیاری نماز عشاء که تا نیمه شب است را مراعات نکرده است لذا هم قبل از طلوع فجر نماز عشاء را می خواند و هم به خاطر جبر آن نقص وقت اختیاری روزه می گیرد. و لذا عقوبت به معنای عذاب نیست بلکه یک جریمه و گوش مالی است تا دیگر یادش نرود.

**در روایت نسیان هم داریم**: کسی که صلی فی ثوب نجس نسیانا دارد یعید صلاته و انما جعلت ذلک علیه عقوبتا لنسیانه. این هم عقوبتا لنومه.

و مهم مرسله بودن روایت است. و لذا این روایت هم دلیل نمی شود.

***وجه شمول طائفه رابعه برای مختار***

به نظرما روایات امتداد وقت مغرب و عشاء تا طلوع فجر قابل اخذ است. ولی در مورد شخص مختار این را نمی گوییم.

صاحب عروه گفت الاقوی امتداد وقتهما الی طلوع الفجر حتی للعامد: یا به این دلیل که «نام» اطلاق دارد و شامل نوم عمدی و اختیاری می شود که ما ادعای انصراف کردیم. و یا به خاطر روایت عبید بن زراره که در سند آن علی بن یعقوب هاشمی است و توثیق ندارد لذا ضعیف السند است:

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَعْقُوبَ الْهَاشِمِيِّ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ***لَا تَفُوتُ الصَّلَاةُ مَنْ أَرَادَ الصَّلَاةَ- لَا تَفُوتُ صَلَاةُ النَّهَارِ حَتَّى تَغِيبَ الشَّمْسُ- وَ لَا صَلَاةُ اللَّيْلِ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ- وَ لَا صَلَاةُ الْفَجْرِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ.[[6]](#footnote-6)***

**مناقشه**

این روایت اطلاق دارد و شامل متعمّد هم می شود ولی سند آن ضعیف است. لذا ما وفاقاً للسیّد الخوئی راجع به مضطرّ قائل به توسعه وقت تا طلوع فجر می شویم.

***وجه حمل طائفه رابعه بر وقت قضایی***

**صاحب وسائل فرموده است:** روایاتی که می گوید مضطرّ بعد از نیمه شب تا طلوع فجر نماز مغرب و عشاء را بخواند صریح در وقت أداء نیست و شاید مراد قضاء باشد؛

قرینه آن معتبره أبی بصیر(و نیز صحیحه عبدالله بن سنان) است: وَ عَنْهُ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ***: إِنْ نَامَ رَجُلٌ وَ لَمْ يُصَلِّ صَلَاةَ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ أَوْ نَسِيَ- فَإِنِ اسْتَيْقَظَ قَبْلَ الْفَجْرِ قَدْرَ مَا يُصَلِّيهِمَا كِلْتَيْهِمَا- فَلْيُصَلِّهِمَا وَ إِنْ خَشِيَ أَنْ تَفُوتَهُ إِحْدَاهُمَا- فَلْيَبْدَأْ بِالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ وَ إِنِ اسْتَيْقَظَ بَعْدَ الْفَجْرِ فَلْيَبْدَأْ فَلْيُصَلِّ الْفَجْرَ- ثُمَّ الْمَغْرِبَ ثُمَّ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ- فَإِنْ خَافَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ فَتَفُوتَهُ إِحْدَى الصَّلَاتَيْنِ- فَلْيُصَلِّ الْمَغْرِبَ وَ يَدَعُ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ- حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ وَ يَذْهَبَ شُعَاعُهَا ثُمَّ لْيُصَلِّهَا.[[7]](#footnote-7)***

نماز بعد از طلوع فجر یقیناً قضا است ولی باز در این روایت تعبیر به خوف فوت می کند. و شاید کسی بگوید: قبل از طلوع فجر هم تعبیرخوف فوت قرینه بر أدایی بودن نماز نمی شود و به خاطر جمع بین این روایات و روایاتی که می گوید آخر وقت نماز مغرب و عشاء نیمه شب است باید بگوییم مراد این روایت، أمر به مبادرت به قضاء است یعنی تا طلوع فجر نشده است قضای نماز را بخوان و اگر طلوع فجر شد تا طلوع آفتاب نشده است قضای نماز را بخوان.

**مناقشه**

**و لکن این مطلب خلاف ظاهر است زیرا:**

**أولاً**، نسبت به بعد از طلوع فجر قرینه واضحه داریم که قضاء است. ولی نسبت به قبل از طلوع فجر چنین نیست.

**ثانیاً،** در روایت چنین آمد که اگر بعد از طلوع فجر نماز مغرب و عشاء را می خوانی و خوف فوت داری أول نماز مغرب را بخوان بعد نماز عشاء را بخوان. و روایت در این فرض ترتیب را ملاحظه کرد. ولی نسبت به قبل از طلوع فجر گفت أول نماز عشاء را بخوان و ترتیب را ملاحظه نکرد و وجهی برای عدم ملاحظه ترتیب نیست جز این که قبل از طلوع فجر آخر وقت مغرب و عشاء است و به اندازه چهار رکعت در آخر وقت مختص نماز عشاء است، لذا باید نماز عشاء را بخواند و مغرب را ترک کند. لذا ظاهر این روایت در مورد مضطرّ امتداد وقت تا طلوع فجر است.

البته ادعا نمی کنیم که صریح در اداء است ولی ظهور در أداء بودن دارد و از طرفی أخص است و لازم نیست دلیل أخص صریح باشد؛ مثل اکرم العالم العادل که صریح در وجوب نیست، یا إن أصابک ثوبک بول فاغسله مرّتین صریح در وجوب غسل مرتین نیست و تنها ظهور در روجوب دارند و قابل حمل بر استحباب اند. ولی باز جمع موضوعی می شود و اطلاقات اغسل المتنجس را تقیید می زنیم و حمل بر استحباب نمی کنیم.

اینجا هم همین است. موضوع مضطر است که خطاب، ظهور در وجوب أداء تا قبل از طلوع فجر دارد و نمی توان از این ظهور رفع ید کرد و حمل بر قضاء کرد. این جمع عرفی نیست.

***نتیجه بررسی طائفه رابعه***

و لذا به نظر ما وقت نماز مغرب و عشاء برای مضطرّ تا طلوع فجر ادامه دارد و حمل بر تقیّه وجهی ندارد زیرا این روایات معارضی ندارد. و لذا این زن هایی که نیمه شب از حیض پاک می شوند باید بلند شوند غسل کنند نماز مغرب و عشاء را قبل از طلوع فجر بخوانند.

**مطلب دوم را بیان کنیم تا روی آن فکر کنید:**

صاحب حدائق فرمود: طائفه اولی که می گوید وقت مغرب تا سقوط شفق و ذهاب حمره مغربیه است حمل بر وقت وجوب مبادرت به نماز مغرب در حال اختیار می شود.

**از دو جهت باید این ادعا را بررسی کنیم**:

أول این که قرینه واضحه داریم وقت تا نیمه شب ادامه دارد لذا باید این طائفه را حمل بر وقت فضیلت کنیم که مشهور از جمله مرحوم خویی چنین می فرمایند.

دوم این که: برخی گفته اند که طائفه اولی نص در این است که اگر نماز را در حال عمد و اختیار نخواند تا حمره مغربیه از بین برود نماز مغرب او فوت شده است «و وقت فوتها ذهاب الحمره». در حالی که صاحب حدائق ادعا می کند که فوت نشده است و تنها مبادرت واجب را ترک کرده است.

1. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 215‌ [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 185‌ [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 214‌ [↑](#footnote-ref-3)
4. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 283‌ [↑](#footnote-ref-4)
5. وسائل الشيعة، ج‌1، ص: 374‌ [↑](#footnote-ref-5)
6. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 159‌ [↑](#footnote-ref-6)
7. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 288‌ [↑](#footnote-ref-7)